

نوجوان محله امام هادی (ع) در دومین تلاشش برای
داستان نویسی به زبان انگلیسی روی آورده است

شروع نویسندگی با «آرزوی مادرم»



امید
محله

صدر نیلوفر موسوی، نوجوان ۱۷ ساله محله امام هادی (ع) سال ۹۸ اولین کتاب داستان خود را به نام «آرزوی مادرم» به چاپ رسانده و اکنون در حال نوشتن دومین کتابش به زبان انگلیسی برای کودکان است. او به خواندن کتاب و نوشتن داستان علاقه زیادی دارد و دوست دارد در آینده یکی از نویسندگان موفق کشورمان شود.

● ورود به دنیای کلمات با انشا

نیلوفر دانش آموز رشته علوم انسانی است و در دبیرستان سپیده نمازی خواهد درس می خواند. مادرش مشوق اصلی او در نوشتن است. او از همان کودکی کتاب های داستان زیادی برای دخترش می خرید تا مطالعه کند. نیلوفر می گوید: «نزدیک به ۳۰۰ کتاب داستان در رده های سنی مختلف دارم».

تأثیر از اینکه به مدرسه بروم و کتاب بخوانم آن ها را ورق می زدم و عکس های آن ها را می دیدم و خودم داستان آن را تعریف می کردم. مادرم هر سال کتاب های جدیدی برایم تهیه می کند و از خواندن آن ها لذت می برم. «یکی از درس های مورد علاقه نیلوفر از مقطع سوم به بعد انشا بوده است: «زمان نوشتن انشا به دنیای کلمات وارد می شدم. وقتی نوشته ام را در کلاس می خواندم معلم و بچه ها لذت می بردند. اوایل دبیرانم فکر می کردند نوشته ها کار خودم نیستند اما به مرور متوجه علاقه ام شدند و من را تشویق به نوشتن داستان کردند. نیلوفر در طول این سال ها مطالعه خود را بیشتر کرده و کتاب های بیشتری خوانده است. محتوای کتاب های مورد علاقه اش بیشتر پند آموز است و تلاش می کند داستان هایش نیز همین گونه باشند. او قهرمان داستان هایی را دوست دارد که برای رسیدن به هدف خود تلاش می کنند و مشکلات سدا رهشان نمی شوند».

● کتاب دوم، داستانی به زبان انگلیسی

نیلوفر از یازده سالگی به طور جدی شروع به نوشتن کرده است. مخاطب نوشته هایش مادر و خانواده مادری اش هستند. آن ها او را تشویق می کنند تا هدفش را جدی تر دنبال کند. ۱۴ ساله که بود با خانواده اش برای سکونت به محله امام هادی (ع) آمدند و در این محله با ام البنین عباس زاده ناشر «آخ چون کتاب» آشنا شد. می گوید: «خانم عباس زاده داستان هایم را خواند و کمک زیادی کرد تا اولین داستانم را بنویسم و آن را چاپ کنم».

موضوع داستان اولین کتابش به آرزوی مادرش، یعنی نویسنده شدن نیلوفر برمی گردد. نیلوفر با کمک خانم عباس زاده این آرزو را به داستانی هیجان انگیز و شاد تبدیل کرده است تا مخاطبانش با علاقه این کتاب را بخوانند. می گوید: «کتاب ۲۴ صفحه است. سعی کردم از جملات کوتاه و ساده برای نوشتن استفاده کنم تا کودکان از خواندن کتاب خسته نشوند». او سعی کرده داستان کتابش آموزنده باشد و از فواید کتاب خواندن و دنبال کردن هدف ها در این کتاب گفته است.

از این ها گذشته او از هفت سالگی زبان انگلیسی می خواند و قصد دارد کتابی به همین زبان برای کودکان بنویسد و کمک کند آن ها راحت تر حروف و کلمات انگلیسی را بیاموزند. می گوید: «نویسندگی و چاپ کتاب هایم شادی زیادی را برایم به ارمغان می آورند. خوشحالم که کتاب وسیله ارتباطم با مخاطبانم است چون تجربه زندگی و تخمیلر ابا آن ها سهیم می شوم». نیلوفر معتقد است، اگر سنگ الماس سختی تراشیدن را تحمل نمی کردار زشمند و قیمتی نمی شد. او هم سن و سال هایش نیز باید برای رسیدن به هدف سختی راه را تحمل کند».

کرونا زندگی

فروشنندگان بازارچه مشاغل
خانوادگی محله آب و برق
برای ادامه کسب و کار، پروتکل های
بهداشتی را رعایت می کنند

فروشنندگان محتاط شهروندان بی احتیاط



منطقه

۹



نجمه موسوی کاهانی ایاز

هم شهر مشهد به رنگ
قرمز درآمده و به گفته متولیان
بهداشت، گویا قرمز ش پررنگ تر از
دفعات گذشته است و آمارهای کرونایی
رکورد شکنی کرده اند. هر بار با تغییر رنگ
کرونا، شاهد یک سری تعطیلی ها در شهر
هستیم که بر اساس تجربه اوج قبلی، این روال نیز تغییر
می کند. این بار در موج پنجم خبری از تعطیلی بوستان ها
و بازارچه های فضای باز نیست.

به بوستان لاله می رویم تا هم وضعیت توجه عمومی به مراقبت های
بهداشتی را در بوستان بررسی کنیم و هم در بازارچه ای که هر پنجشنبه با
مشارکت سازمان میادین، دفاتر بازرگانی و شهرداری منطقه ۹ بعنوان بازارچه
مشاغل خانگی در حاشیه این پارک در محله آب و برق برپاست با فروشنندگان و
خریداران همراه شویم.

● غرقه ها با فاصله است و فروشنندگان ماسک دارند

بیشتر فروشنندگان بانوانی هستند که در حوزه مشاغل خانگی فعالیت می کنند و تقریباً
تمام آن ها از ماسک استفاده کرده اند. به نظر می رسد بعد از ۱۷ ماه حضور بیماری کرونا
در شهرمان، مردم متوجه شده اند که اگر به مسائل بهداشتی که در صدر آن ها استفاده از
ماسک است بی توجه باشند، اولین آسیب آن به خودشان برمی گردد. معصومه امینیان،
فروشنده غرفه دید لیجات، می گوید: «غرفه های ما با فاصله از هم قرار دارد و از ماسک هم
استفاده می کنیم».

ما همه موارد توصیه شده را رعایت می کنیم تا بازار تعطیل نشود و از نان خوردن نیفتیم.
اینجاد محیط باز کنار پارک مشکلی وجود ندارد که بگوییم ویروس منتقل می شود.
ببینید مردم در پارک و خیابان هم قدم می زنند، اگر قرار به تعطیلی باشد همه ضرر
می کنند».

صبا مرادی که با داشتن ماسک دولا به از مسیر بازارچه عبور می کند می گوید: «بیشتر
مردم متوجه شده اند چطور رفتار کنند تا به بیماری مبتلا نشوند. مشکل که در بازارها
و پارک های فضای باز نیست، من هر پنجشنبه با رعایت موارد بهداشتی وزن ماسک
به این بازارچه می آیم».

● ازدحام در بوستان و ماسک های زیر چانه

هر چند بازار به دلیل قرار گرفتن در موقعیت مناسب و جانمایی درست در مسیر تردد
عابران زیادی است اما شلوغی اصلی در بوستان لاله است، افراد مسنی که روی
نیمکت ها نشسته اند و جوانانی که در زمین ورزشی مشغول بازی هستند، بیشترین
ازدحام هم مربوط به وسایل بازی بچه ها است. برخلاف بازار که همه جوانب بهداشتی
رعایت می شود در این قسمت بیشتر افراد ماسک هم ندارند. کهنسالانی که ماسک ها
راز بر چانه گذاشته اند روی نیمکت هایی با فاصله زیاد نشسته اند اما کودکانی که یکی
در میان ماسک بر صورت دارند همگی به دنبال هم و با فاصله ای اندک روی سرسره های
این پارک مشغول بازی هستند».

شاید این بیماری کودکان را به طور جدی تهدید نکند اما بی شک جوانانی که مشغول
بازی فوتبال و والیبال هستند و به وزن ماسک توجهی ندارند در معرض خطر ابتلا قرار
دارند. این بخش نه به قانون برمی گردد و نه به اعمال تعطیلی ها. بلکه نیاز به پذیرش
عمومی برای مهار بیماری دارد».



منطقه

